

Methodological Considerations in How to Face the New Atheism

Received date: 2022.07.29 Accepted date: 2022.11.14

—Hamidreza Shakerin *

Abstract

New atheism is a social political movement in conflict with any religious belief and practice. The mentioned movement is the main focus of producing and promoting various doubts in the field of basic religious beliefs, the origin of religion, the role and function of religion in human life, the relationship between religion and science, the relationship between religion and ethics, etc. This issue has made many researchers and thinkers all over the world to struggle and try to criticize and highlight its loose foundations, anti-rational and anti-science methods. What is missing to a large extent in this regard is a look at the method of facing and responding to the doubts of this movement and its requirements and merits. The present research aims to introduce the new atheism with a descriptive-analytical method, and then to examine the appropriate requirements in facing this movement. The result of the research is to present the necessary knowledge and steps in this arena, to clarify the necessity for philosophy in this field, the appropriate capacity of theology and Islamic philosophy, and the need to avoid falling into the lap of modern theological systems in this regard.

Keywords: Religion, New Atheism, Scientific Atheism, Modern Theology.

*Associate Professor in Logic of Comprehending Religion Department at Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran.

E-mail: shakerinh@gmail.com

إِعتبارات منهجية في كيفية مواجهة الإلحاد الجديد

حميد رضا شاكرين*

المستخلص

الإلحاد الجديد هو حركة سياسية اجتماعية تتعارض مع أي معتقد ديني وممارسته. الفكرة المذكورة تعتبر المحور الرئيسي لإنتاج وتعزيز الشبهات المختلفة في مجال: المعتقدات الدينية الأساسية، أصل الدين، دور ووظيفة الدين في حياة الإنسان، العلاقة بين الدين والعلم، العلاقة بين الدين والأخلاق و إلى ما يشابه ذلك. وقد دفع هذا الموضوع العديد من الباحثين والمفكرين في جميع أنحاء العالم إلى البذل ومحاولة النقد وإبراز و تسليط الضوء على أسسها المرتخية و أساليبها الطائشة ومعادية للدين ومناهضة للعلم. ما ينقص إلى حد كبير في هذا المجال، هو نظرة خاصة على أسلوب المواجهة والإجابة عن الشبهات لهذه الحركة و استدراك متطلباتها ومزاياها. يهدف البحث الحالي إلى التعريف بالإلحاد الجديد بالمنهج الوصفي-التحليلي، ثم دراسة المتطلبات المناسبة لمواجهة هذه الفكرة. تكون نتيجة البحث تقديم المعارف والخطوات اللازمة في هذا المجال، تبيين سبب الحاجة إلى الفلسفة في هذا السياق، السهولة المناسبة لعلم الكلام والفلسفة الإسلامية وفي نفس الوقت ضرورة تجنب الوقوع في حضيض الأنظمة اللاهوتية الحديثة في هذا المصاف.

الكلمات المفتاحية: الدين، الإلحاد الجديد، الإلحاد العلمي، اللاهوتية الحديثة، الكلام الإسلامي، الفلسفة الإسلامية.

* أستاذ مشارك في قسم منطق الفهم الديني في مركز أبحاث الفلسفة ودراسات الدين، معهد الثقافة والفكر الإسلامي.

نشریه علمی

مطالعات شبهه‌پژوهی

سال اول، زمستان ۱۴۰۲، ش ۲

ملاحظات روش‌شناختی در چگونگی مواجهه با الحاد جدید

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۷ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳

حمیدرضا شاکرین *

چکیده

الحاد جدید جنبشی سیاسی اجتماعی در ستیز با هرگونه اعتقاد و عمل دینی است. جریان یاد شده عمده‌ترین کانون تولید و ترویج شبهات گوناگون در حوزه باورهای پایه دینی، خاستگاه دین، نقش و کارکرد دین در زندگی بشر، رابطه دین و علم، رابطه دین و اخلاق و... است. این مسئله باحثان و اندیشمندان بسیاری را در سراسر جهان به تکاپو و تلاش در جهت نقد و برجسته ساختن بنیادهای سست، روش‌های خردگريزانه، دین سوز و دانش ستیز آن واداشته است. آنچه در این میان تا حد زیادی غایب است نگاهی به روش مواجهه و پاسخگویی به شبهات این جریان و بایسته‌ها و شایسته‌های آن است. تحقیق حاضر بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی الحاد جدید را معرفی، سپس بایسته‌های مناسب در مواجهه با این جریان را بررسی کند. ماحصل تحقیق معرفی دانش‌ها و گام‌های لازم در این عرصه، روشن ساختن وجه حاجت به فلسفه در این زمینه، ظرفیت مناسب الهیات و فلسفه اسلامی و لزوم احتراز از درغلطیدن به دامان نظام‌های الهیاتی مدرن در این مصاف است.

واژگان کلیدی: دین، الحاد جدید، الحاد علمی، الهیات مدرن، الهیات اسلامی، فلسفه اسلامی.

مقدمه

الحاد از ماده لحد (به فتح و ضم لام و سکون حاء) در لغت به معنای گریزش از چیزی، و به عبارت دیگر عدول از حد وسط و میل به جوانب دیگر است (بنگرید: لسان العرب، ج ۳، ص: ۳۸۹، ذیل ماده لحد). در التحقیق آمده است: «لحد: أصل يدل على ميل عن استقامة، يقال ألحد الرجل إذا مال عن طريقة الحق والإيمان ... لحد بِنِ وَائِهَی است که دلالت بر اعراض از استقامت و راه مستقیم دارد. هرگاه کسی از مسیر حق و ایمان کناره گیرد، گفته می شود الحاد ورزیده است...» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۱۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۳۷). در قرآن مجید نیز واژه الحاد به معنای کناره گیری از حقیقت و پویش راه ضلالت و نادرستی به کار رفته است (جبل، ۲۰۱۰م، ص ۱۹۶۱، ذیل ماده لحد). در سوره فصلت آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا»؛ «به درستی آنانکه درباره آیات ما انحراف ورزیده و از مسیر صحیح می گریزند، از ما پوشیده و مخفی نیستند» (فصلت: ۴۰) و در جای دیگر است: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ»؛ «و نیکوترین نامها [به لحاظ معانی] ویژه خداست، پس او را با آن نامها بخوانید و آنان که در نامهای خدا به انحراف می گریند را رها کنید؛ آنان به زودی به همان اعمالی که همواره انجام می دادند، جزا داده می شوند» (اعراف: ۱۸۰) انحراف در اسماء خدا آنست که او را با نامهایی که نشان دهنده کاستی و نقص است، بخوانند (ترجمه قرآن مجید، حسین انصاریان) و یا اینکه صفات خاص خدا از قبیل رازق، خالق، معبود و غیره به دیگران نسبت داده شده و این مفاهیم را ویژه آنها بدانیم؛ چنانکه مشرکان و غالیان چنین می کردند (بنگرید: قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۸۲). درعین حال کاربرد رایج واژه الحاد امروزه غالباً در خداناباوری، معادل آتئیسم (Atheism) در برابر تئیسم؛ (Theism) یعنی اعتقاد به وجود خدا است (Paul; 1967; vol I. p. 175).

الحاد در طول تاریخ با فراز و فرودهایی رخ نموده و همواره اقلیتی بسیار محدود به آن تمایل نشان داده‌اند؛ ولی در عصر روشنگری به مثابه یک نظام باور تام رخ نموده است (See: Julian Baggini, *Atheism: a very short Introduction*, p. 74).

در نگاه شماری از اندیشمندان ریشه این مسئله تغییر زیست جهان طبیعی - که در آن خداوند در امور طبیعی و حیات سیاسی و اجتماعی نقش پررنگی داشت - به زیست جهان مدرن است که بتدریج خدای توحیدی و نهادهای دینی را از صحنه خارج ساخت (See: Charles Taylor, 2007). نقد کلیسا و آموزه‌های آن برای رهایی از حاکمیت این نهاد و کاهش نفوذ آن (See: Alister Mcgrath, 2004)، تشکیک‌های دیدید هیوم در مباحث الهیاتی و ظهور و بسط دیدگاه‌های امثال فریید، فوئرباخ و مارکس نیز در تقویت بنیان‌های نظری دین‌گریزی و خودبسند انگاری الحادی نقش قابل توجهی داشتند (جهت آگاهی بیشتر بنگرید: علی شهبازی، ۱۳۹۹، ص ۳۲-۳۳).

پدیده الحاد به اعتبارات گوناگون به اقسام و گونه‌های مختلفی تقسیم شده است؛ از جمله به الحاد نظری و عملی (See: Pasquini, 2014)، دوستانه (Friendly) و مهاجم (Millitant/Combatant)، نرم و سخت، سلبی و ایجابی، باریک و عریض، فلسفی و علم‌بنیاد، عملی و نظری و... از جمله تقسیمات آن عبارت است الحاد سنتی یا کلاسیک و الحاد جدید یا مدرن (See: Dupre, 1999, 45: 1-11).

الحاد جدید یک اصطلاح خاص علمی با سابقه طولانی دارای تعریف دقیق و مشخص در متون علمی نیست؛ بلکه مدت زمان کوتاهی است بر سر زبان‌ها افتاده و در نگاشته‌ها و موضع‌گیری‌ها بسط پیدا کرده است. براساس دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا (Wikipedia, the free encyclopedia, *New Atheism*) این تعبیر پس از «حادثه یازده سپتامبر» در سال ۲۰۰۶ توسط ژورنالیست شکاک (agnostic) گری ولف برای اشاره به وضعیت ترویج شده توسط برخی از ملحدان قرن بیست و یکم به کار رفته است

Wolff, Gary, in The New Atheism, The Church of the Non-Believers;)
 reprinted in Wired Magazine, November 2006). الحاد مدرن توسط
 نویسندگانی بسط یافته است که دین را هم‌ردیف خرافه‌پرستی (superstition)،
 خردگریزی، حماقت و... قرار داده و بر عدم تساهل، لزوم نقد و مقابله با دین و آثار آن
 در حکومت، تعلیم و تربیت و سیاست تاکید می‌کنند (New Atheists 2016.; See
 also: Simon, 2010, & Whitley Kaufman, 07 November 2018,
<https://doi.org/10.1111/phc3.12560>). شماری از این نویسندگان که به
 طلایه‌داران (horsemen) الحاد مدرن اشتهار یافته‌اند عبارتند از: سام هریس، دنیل
 دنت، ریچارد داوکینز و کریستوفر هیچنز.

۱۰

الف) ویژگی‌های الحاد جدید

شیرازی

برخی از محققان در اینکه الحاد جدید به لحاظ نظری و معرفتی تفاوتی اساسی با الحاد
 سنتی داشته و پیشبرد معرفتی یا گونه جدیدی از آن به نمایش گذارد را به‌جد انکار
 کرده‌اند (Emilsen, June 2012, p. 524). در عین حال اگرچه کم و بیش
 شباهت‌هایی در مواضع جریان الحاد نو و قدیم می‌توان یافت و چه بسا نتوان مرز قاطعی
 بین آن دو کشید، اما با بررسی آنچه در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم رخ
 نموده می‌توان گفت ویژگی‌های زیر در جریان الحاد جدید ظهور و بروز بیشتری دارد:

۱. رویکرد اثباتی به معنای خروج از موضع شک و ندانم‌گویی و تلاش برای اثبات
 نبودن خدا و مطرح نمودن بی‌خدایی به صورت یک عقیده مدلل؛
۲. رویکرد تهاجمی به دین، دین‌ستیزی افراطی؛ نفی تساهل و مدارا با هر گونه
 دینداری و آزادی بیان دینی و مخالفت با آموزش و تعلیم و تربیت دینی حتی در
 خانواده‌ها تا آنجا که داوکینز تربیت کودکان با هر گونه هویت دینی را نوعی
 کودک‌آزاری معرفی می‌کند (Beattie, 2007, p. 6)؛

سال اول / شماره دوم / زمستان ۱۴۰۲

۳. دعوی تعارض علم و دین و تلاش و تبلیغ گسترده برای برجسته‌سازی تعارض

ادعایی؛

۴. ترویج ادعای تعارض و تضاد بین دین و خدا باوری با اخلاق، تا آنجا که داو کینز دین را مسئول بسیاری از خشونت‌ها و مخرب ارزش‌ها و اخلاقیات دانسته است (ibid)؛ بدین‌روی الحاد جدید با نفی منبعیت دین و عقل برای اخلاق، به ترویج اخلاق علم‌بنیاد همت گماشته و بر آن است که اخلاق باید از چنگ فیلسوفان و دین‌باوران خارج و به زیست‌شناسان سپرده شود (Wilson, 1975, p. 27).

۵. دعوی فلسفه‌گزینی و تکیه انحصاری به روش تجربی و استخدام علوم تجربی در جهت نظریه‌پردازی ماتریالیستی و الحادی؛ این در حالی است که مدعیات آنان مبتنی بر شماری از مبانی فلسفی و متافیزیکی است که در عین انتخاب آگاهانه این مبانی، در بیان مواضع خود آنها را پنهان می‌دارند (Whitley, June 2010, p.190-194).

۶. تلاش برای تبیین طبیعی و فیزیکال همه چیز، به‌ویژه برگ‌های برنده دینداران، مانند مسئله نفس، معنویت، معنای زندگی و حتی مسئله خدا و دین (Pigliucci, 2013, p. 142-153).

۷. سطحی‌اندیشی، عامی‌نگری و منطق‌گزینی؛ شماری از محققان بیان داشته‌اند که نوملحدان هدف و همت خود را مصروف هجمه تمام عیار و نفرت‌پراکنی نسبت به دین قرار داده و با مخالفان خود نه به روش منطقی، که با اهانت، سخره‌گرفتن، تنفر آشکار و خشونت (See: Thomas Zenk, 2013 p. 252-253) برخورد می‌کنند. پلانتینگا نیز اشاره کرده است که پیشرانان این جریان به لحاظ معرفتی بسیار فروپایه‌تر از ملحدان کلاسیکی همچون راسل، مکی و یا کسانی چون نیگل، ویلیام رو و... بوده و لکه سیاهی بر چهره گفت‌وگوهای عصر حاضر در باب خدا و دین به‌شمار می‌روند (Plantinga, 2011, p. x-xi).

۸. رویکرد تبلیغی با بهره‌گیری از پوشش رسانه‌ای؛ رسانه‌ها در بسط الحاد جدید و بسترسازی جهت همگرایی و اعلام هویت جمعی سردمداران آن نقش عمده‌ای داشته‌اند (Cimino and Smith., p. 17-31). داوکینز در اوایل سال ۲۰۰۹ یکصد و چهل هزار پوند جمع‌آوری شده توسط انجمن اومانیست انگلستان را صرف تبلیغات الحادی روی صدها اتوبوس در شهرهای مختلف انگلستان کرد (http://www.guardian.co.uk, Butt, 2009, world /) که روی آنها نوشته شده بود: «احتمالاً خدایی در کار نیست، پس نگران نباشید و زندگی را خوش باشید» (There's probably no God. Now stop worrying and enjoy your life) از این قبیل تبلیغات می‌توان به ساخت مستندهای آموزشی، تبلیغاتی و شبکه‌هایی چون «iflscience.com» اشاره کرد که بیش از بیست میلیون دنبال‌کننده فیس‌بوکی دارد (Available online at <https://www.facebook.com/IFeakingLoveScience>). همچنین است گردهمایی‌های بزرگی که در مناطق مختلف دنیا برگزار می‌کنند. برای نمونه همایشی به سال ۲۰۱۲ در آمریکا با شرکت ده‌ها هزار نفر برگزار شد که شماری از چهره‌های معروف این جریان در آن سخنرانی کردند (Smith, p. 80 – 99).

۹. نظام‌سازی و تلاش برای ایجاد جامعه کاملاً سکولار و تهی از دین. در موارد ذکر شده بالا آنچه اهمیت و جلوه بیشتری دارد دین ستیزی حاد و افراطی الحاد جدید است. به عبارت دیگر الحاد نو یک موج و جریان سیاسی، اجتماعی و جنبش ضد دینی نوین است که به بهانه انفجار برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی نیویورک در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ سربرکشیده و همه هم خود را مصروف آن داشت که خدا باوری را در عصر علم و تکنولوژی امری نابخردانه و دین را منشأ شر و پدیده‌ای خطرناک و زوددنی جلوه دهد (See: Stewart, 2008 : Alister McGrath & Daniel Dennett in Dialogue, 1-16, 2008, p. 6). در نگاه جان لنوکس

فیلسوف و ریاضی‌دان ایرلندی، این کینه دین‌ستیزانه تکرار خطای تاریخی دین‌ستیزی اروپای شرقی است. او از شماری اندیشمندان روسی نقل می‌کند که ما می‌پنداشتیم با رها شدن از خدا می‌توان ارزش‌های انسانی را پاس داشت؛ در حالی که هم خدا راتباه کردیم و هم انسان را. از نظر ایشان داو کینز چیزی از واقعیت‌های قرن بیستم نمی‌داند. به او باید گفت به لهستان بیاید تا اگر حقیقتاً گوش شنوایی داشته باشد، شواهدی از پیوند میان الحاد و ستمگری را با او در میان بگذاریم (Lennox, 2011, p. 87).

از دیگر تعابیر مطرح در ادبیات جدید «الحاد علمی» (Scientific Atheism) است. بنا به روایت تامس دیکسون (Thomas Dixon) الحاد علمی خود نوعی دین‌واره و گونه‌ای از نگره ایمانی است. به عبارت دیگر، بر خلاف ارتکاز اولیه این تعبیر صرفاً به معنای اثبات بی‌خدایی با استمداد از علوم طبیعی نیست؛ بلکه آیینی مشتمل بر گمانه‌های زیر است:

۱. نفی وجود خدا، فرشته، معجزه، حیات فرااین‌جهانی، بهشت و دوزخ و نفس مجرد.
۲. علم‌کشی یا باور به اصالت دانش تجربی (Scientism)؛ یعنی اینکه دانش طبیعی تنها معرفت معتبر بشری و یا حداقل کارآمدترین و قابل اعتمادترین معرفت است.
۳. لزوم جایگزینی جهان‌بینی طبیعت‌گرایانه و خداگریزانه به جای جهان‌بینی توحیدی و فراطبیعت‌باورانه؛ به عبارت دیگر استوارسازی معنای زندگی، اخلاق و دیگر ارکان یک جهان‌بینی بر عمود دانش تجربی (Dixon, 2002, p. 337-359).

ب) بایسته‌های معرفتی مواجهه با الحاد جدید

الحاد جدید و علمی در سه حوزه دانشی دنبال می‌شود: (۱) الحاد در حوزه فیزیک ذرات و فیزیک کیهانی؛ (۲) الحاد وابسته به زیست‌شناسی فرگشتی؛ (۳) الحاد مرتبط با علوم شناختی. رویارویی منطقی و مستدل در برابر این پدیده نیازمند درک درست از

ویژگی‌ها، ابعاد و وجوه آن؛ مجهز بودن به دانش‌ها و معارف مرتبط و بسترهای شکل‌گیری الحاد در آنها؛ چگونگی خوانش الحادی از نظریات مطرح در این علوم، شناخت رویکردها و دیدگاه‌های مقابل، تسلط بر وجوه مختلف مسئله و برداشتن گام‌های مرتبط به صورت منطقی و مستدل، در عین کاربست زبان مشترک و قابل فهم همگانی است. بنابراین آشنایی با دانش‌های زیر شرط لازم برای درک شبهات الحاد علمی و پاسخ به آنها است:

(۱) دانش فیزیک؛ به‌ویژه فیزیک کلاسیک، فیزیک نسبیت، نظریه کوانتوم در فیزیک ذرات و هم در کیهان‌شناسی‌های کوانتومی؛ نظریه‌هایی چون مدل استاندارد مه‌بانگ، نظریات جهان باز یا بسته، مدل بی‌مرزی، تورم کیهانی، تئوری میم، کیهان‌شناسی ریسمانی و مدل‌های چندجهانی، تقریرات تصادفی و از هیچ و خودبسنده‌انگارانه پیدایش جهان و...

(۲) زیست‌شناسی فرگشتی و تحولات آن، به‌ویژه سنتز تکاملی مدرن و همچنین گونه‌های مواجهه با آن مانند آفرینش‌گرایی، تکامل خداپاورانه، نظریه طراحی هوشمند، طبیعت‌گرایی نئوداروینیستی و تکامل پساداروینی؛

(۳) علوم شناختی؛ به‌ویژه فلسفه ذهن و نگره‌های متنوع فیزیکالیستی در آن، عصب‌شناسی الهیات، روان‌شناسی شناختی دین و...

آنچه گفته آمد نشانگر چندرشته‌ای بودن مسئله از یکسو و از سوی دیگر نیاز به پرورش متخصصان و پژوهشگران خاص هریک از حوزه‌های یاد شده است، تا بتوان به‌طور عمیق و متناسب با شرایط کنونی جهان علم و معرفت به تولید دست‌مایه‌های معرفتی لازم و آثار فاخر و اثرگذار در این زمینه دست یافت.

ج) فلسفه و الحاد جدید

نقد الحاد نیازمند مجهز شدن به دانش و بینش عمیق فلسفی است. این مسئله در نقد الحاد فلسفی آشکار و بی‌نیاز از توضیح است. اما در باب الحاد جدید که دعوی علمی بودن داشته و با استمداد از علوم یاد شده به ترویج نگره الحادی می‌پردازد چطور؟ برخی را گمان بر این است که الحاد علمی باید علمی پاسخ داده شود و کاربست ادله و مباحث انتزاعی فلسفی در این زمینه بی‌حاصل، موجب ناهمبانی و بیگانه با ذهنیت تجربی حاکم بر رویکرد الحادی جدید و متعاطیان آن است.

پاسخ این است که استفاده از علوم تجربی در مواجهه با الحاد جدید امری لازم و بایسته است، اما چنین نیست که منحصرأً از طریق دانش تجربی بتوان به این مصاف رفته و مباحث را به سرانجام لازم رساند. برای روشن شدن مطلب باید توجه داشت که الحاد به‌طور کلی و حتی الحاد علمی به انحای مختلف با فلسفه تماس و آمیختگی دارد، از جمله اینکه:

۱. در مواردی مبتنی بر انگاره‌های فلسفی است، هرچند حامیان آن از این مسئله غافل بوده یا سعی در پنهان نمودن آن دارند. برای مثال اساسی‌ترین مبنای الحاد که بن‌مایه اساسی آن تلقی می‌شود طبیعت‌گرایی است. این طبیعت‌گرایی حداقل دو وجه دارد: یکی طبیعت‌گرایی هستی‌شناختی و دیگری طبیعت‌گرایی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی. این امور انگاره‌هایی فلسفی و فراعلمی بوده، در علم جدید نیز به‌مثابه پیشفرض علم توسط طبیعت‌گرایان توصیه شده و ناقدان آن نیز استدلال می‌کنند که چنین توصیه‌ای فاقد هر گونه پشتوانه تجربی و نظری بوده و صرفاً امری گزینشی، دلبخواهی، فاقد انسجام منطقی و خودستیز است (Rea 2002, see: McMillan, 2011; Yandell 2000).

۲. بسیاری از مسائلی که در الحاد علمی مطرح می‌شود با مباحث فلسفی قرابت و

رابطه تنگاتنگی داشته، بدون بررسی فلسفی نمی‌توان نتایج الهیاتی آنها را به دقت کاوید. از این قبیل است دلالت‌های الهیاتی مسئله آغاز در کیهان‌شناسی (شاکرین، ۱۴۰۰، شماره ۲۷، پاییز و زمستان)؛ مسئله شانس و تصادف در فیزیک ذرات (گلشنی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۰-۳۸۵) و کیهان‌شناسی کوانتومی (شاکرین، ۱۴۰۰، ص ۹-۲۲)، نیز در زیست‌شناسی فرگشتی و نسبت آن با فاعلیت خداوند (شاکرین، ۱۴۰۱، ص ۳۴۷-۳۷۰). نمونه دیگری از این دست مسئله رابطه کمالات وجودی با پیچیدگی و ترکیب است که داو کینز برهان نامحتملی را بر اساس آن صورت پردازی کرده است (بی‌هی، دمبسکی، میر، ۱۳۹۸، ص ۱۹-۲۶۰).

۳. برخی از مسائل اساساً از جنس فلسفی بوده، در عین حال از سوی نوملحدان و باحثان الحاد علمی نیز مطرح می‌شود، ولی عمدتاً از طریق دینی یا فلسفی قابل تحلیل و بحث هستند، مانند مسئله علت العلل و مسئله شر. از این قبیل است تبیین نهایی جهان و حیات که علم ناتوان از انجام آن است. از همین رو بسیاری دانشمندان و فیلسوفان علم نیز یادآور شده‌اند که تبیین علمی تبیین فروپایه و درچارچوب محدودی است و هرگز نمی‌تواند از آن فراتر رود و تبیین نهایی از آن دین و فلسفه است.

از آنچه گذشت روشن شد که الحاد علمی در سه حوزه مواجهه با فلسفه دارد: (۱) حوزه پیش‌ا‌علمی (۲) حوزه درون علمی (۳) حوزه پس‌ا‌علمی. البته فلسفه مورد نیاز در این زمینه صرف مباحث عام فلسفی یا حوزه الهیات بمعنی‌الاصح نبوده، محورهای دیگری نیز مورد نیاز است از قبیل فلسفه علم، بویژه فلسفه مضاف به دانش‌های مرتبط مانند فلسفه فیزیک، فلسفه زیست‌شناسی، فلسفه علوم شناختی.

(د) گام‌های لازم در مواجهه با شبهات نوملحدان

از منظر شیوه رویارویی و مقابله با الحاد جدید پس از مشخص ساختن سطح بحث و

گونه‌شناسی مخاطبان، به تناسب برداشتن گام‌های زیر مفید و در مواردی ضروری است:

۱. بررسی و نقد بنیان‌ها و مبانی الحاد جدید، مانند طبیعت‌گرایی هستی‌شناختی، طبیعت‌گرایی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی، طبیعت‌گرایی انسان‌شناختی و طبیعت‌گرایی ارزش‌شناختی؛ بویژه روشن ساختن ناستواری اساسی این مبانی و مغایرت آنها با علم‌پسندگی مورد ادعای الحاد علمی.

۲. بیان حدود و ثغور علم، توانش‌ها و ناتوانی‌ها، قوت‌ها و ضعف‌ها، قلمرو و محدودیت‌ها، میزان و درجه اعتبار معرفتی و بالاخره اینکه دانش تجربی نه تنها معرفت معتبر است و نه مهم‌ترین و معتبرترین آنها. افزون بر آن معرفت علمی خود وابسته و تخته‌بند پاره‌ای معارف فراتجربی است و بدون آنها کاری از پیش نتواند برد.

۳. روشن ساختن اینکه تعارض علم و دین مسئله‌ای واقعی نبوده و آنچه امروزه گروهی به آن دامن می‌زنند نه برخاسته از دین است و نه دانش؛ بلکه تحمیلی بر هردو از سوی پاره‌ای جریان‌های فکری کژاندیش، چه در حوزه الحاد و بی‌دینی و چه به نام دین و دینداری است.

۴. آشکار ساختن عدم تک‌صدایی در علم و اینکه غالب نظریات علمی، اگر نگوئیم همه، پیوسته مورد بحث و گفتگوها و مجادلات گوناگونی است و همواره موافقان و مخالفانی داشته و به‌تدریج مورد حک و اصلاح، پالایش و تکمیل و یا احیاناً حذف و جایگزینی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر چه بسا نظریه‌ای نتوان یافت که برای همیشه و همه ارباب دانش به یکسان مقبول و مورد پذیرش باشد. البته این مسئله در دیگر حوزه‌های معرفتی نیز کم و بیش وجود دارد و یکی از عوامل رشد و غنای معرفتی بشر است. درعین حال، برخلاف تصور عمومی، وضعیت دانش‌های تجربی، به‌ویژه علوم انسانی، از این جهت خاص‌تر و چندصدایی در آنها بیشتر است.

۵. تبیین اینکه نگره الحادی به‌هیچ روی سخنگوی علم نبوده؛ بلکه اولاً شمار

دانشمندان خدا‌باور در همه علوم بسیار بیش از خدا‌ناباوران است. از قضا بسیاری از این دانشمندان، از طریق همین علوم و نظریات جدید علمی در راستای خداشناسی و اثبات وجود خدا و تبیین ضرورت و کارکردهای مثبت دین گام برمی‌دارند؛ و یا با استفاده از همین علوم در مقابل نگره الحادی ایستادگی کرده و شبهات آنان را پاسخ می‌گویند.

۶. آشناسازی مخاطبان با دیدگاه‌های دانشمندان خدا‌باور، نحوه استدلال و نقد آنها بر جریان الحاد. این مسئله از آن رو اهمیت دارد که استدلال‌های این گروه به‌ویژه برای غالب افراد که بیگانه با ادبیات و نگرش فلسفی هستند، بسیار کارگشا و مفید است و با استفاده از بن‌مایه‌های فلسفی و کلامی خودی می‌توان برخی از ضعف‌ها و اشکالات احتمالی آنها را برطرف ساخت. بنابراین چنین رویکردی، به‌ویژه برای اذهان علمی مفید و لازم، اما ناکافی و نیازمند اصلاح، تکمیل و ارتقا با تکیه بر درونمایه‌های اندیشه و حکمت اسلامی است.

۷. رصد دائمی و به‌هنگام جریان الحاد در عرصه‌های مختلف نظری و عملی، تلاش برای بسط معارف عقلی دینی، ابتکار عمل در تولید دلایل جدیدی که در عین اقبال، دارای قدرت اقناعی بالا و قابل فهم عموم باشد. همچنین به تناسب استفاده از همه ظرفیت‌های معرفتی در دفاع از عقاید دینی و دفع شبهات منکران، اعم از معرفت دینی، شهودی، فلسفی و علوم تجربی ضروری و لازم است.

هـ) الهیات اسلامی یا الهیات مدرن؟

از دیگر مسائلی که در چگونگی مواجهه با الحاد جدید مطرح شده این است که آیا الهیات اسلامی ظرفیت و توانایی لازم برای رویارویی و پاسخ به شبهات و مدعیات این جریان جدید و علم بنیان را دارد یا نه؟ و در صورت ضعف و ناتوانی راه چاره چیست؟ آیا بهتر نیست که در این زمینه دست به دامن جریان‌های الهیاتی مدرن مانند الهیات

پویشی، الهیات گشوده، الهیات اگزستانسیالیته و امثال آن شویم؟

سوگمندانۀ گفتنی است شماری از کسانی که از شَم فلسفی برخوردار نبوده و آشنایی درستی با میراث گران‌سنگ فلسفه و کلام اسلامی ندارند گمان می‌برند که دستگاه الهیاتی و حکمی اسلامی تهی از بن‌مایه‌های لازم برای مواجهه با الحاد جدید و علم بنیان است و کم و بیش برخی جریان‌های الهیاتی مدرن را بر سنت فلسفی و الهیاتی اسلامی ترجیح می‌دهند.

بررسی این مسئله، نیازمند تفکیک بین مسائل علمی و فلسفی، همچنین تفکیک بین نوآورده‌های گسسته از مبانی خاص فلسفی و الهیاتی و غیر آن است. بنابراین مسئله را در سه جانب می‌توان دنبال کرد:

۱. در مسائل علمی مرتبط با بحث الحاد و خداآوری دانشمندان غربی، اعم از پیروان الهیات کلاسیک مسیحی و یا پیروان جریان‌های الهیاتی مدرن آثار گران‌سنگی از خود به یادگار گذاشته‌اند. این دستاوردها نسبت به جریان‌های مختلف فلسفی و الهیاتی نسبت یکسانی داشته و استفاده از آنها با ملاحظه میزان اتقان علمی آنها، برای همه اندیشوران و محققان این حوزه قابل توصیه است.

۲. در مسائل نظری فراعلمی گاه نوآوری‌ها و نگره‌هایی از جانب اصحاب جریان‌های الهیاتی مختلف مطرح می‌شود که مبتنی بر نگره‌های خاص این جریان‌ها نبوده و با الهیات اسلامی نیز سازگاری کامل دارد. از چنین مواردی، به شرط صحت و اتقان فلسفی و منطقی می‌توان استقبال نمود و اینکه گوینده و پردازنده آن کیست و متعلق به چه مرامی است نباید مانع از استفاده و بهره‌برداری از مطالب صحیح، متقن، مفید و نوآورانه شود. این همان چیزی است که قرآن مجید به آن فراخوانده و فرموده است: «... فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ»؛ «پس بشارت ده بندگان مرا، آنان که به سخن گوش فرامی

دهند و بهترین آن را پیروی می کنند. اینان کسانی هستند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان» (زمر، ۱۷-۱۸).

۳. در مسائل الهیاتی، گاه دیدگاه‌هایی از سوی جریان‌های مدرن مطرح می‌شود که با مبانی اسلامی در تعارض است. مواردی چون تکامل‌پذیری خدا در الهیات پویشی، نفی علم مطلق الهی یا تأویل آن به گونه‌ای که نافی علم پیشین الهی به همه رفتارهای انسان بشود در الهیات گشوده، همچنین نفی حکمت یا قدرت مطلقه الهی در گونه‌های الهیاتی دیگری مانند الهیات ضعیف، الهیات رنج و... نمونه‌هایی از این سنخ‌اند.

گمانه‌های یاد شده از سویی ناتوان از حل شماری از پرسش‌های الهیاتی بشر معاصر بوده و از دیگر سو در تعارض صریح با عقاید اسلامی برآمده از متون دینی‌اند. دیگر آنکه از نظر عقلی و منطقی هم نااستوار و مغایر با ژرفکاوی‌های عقلی و فلسفی است. افزون بر این همه، دستگاه کلامی و فلسفی بالیده در فرهنگ اسلامی، بویژه حکمت متعالیه ظرفیت بسیار بالایی در پاسخ به پرسش‌های الهیاتی داشته و به حل مسائلی پرداخته است که جهان غرب همچنان گرفتار نارسایی‌های جدی در حل آنها است. از باب نمونه به‌طور فشرده می‌توان موارد زیر را مثال آورد:

۱. مسئله علت‌العلل یکی از پیچیده‌ترین مسائل الهیاتی و فلسفی است که براساس تحقیقات نگارنده هیچیک از اندیشمندان غربی در حل آن توفیق نیافته و همواره به صورت مسئله‌ای پر ابهام و بغرنج در فلسفه غرب باقی مانده و دستاویزی برای انتقاد خدا ناباوران و زمینه شکاکیت و الحاد بسیاری از اصحاب فکر و اندیشه شده است. این در حالی است که فلسفه صدرایی بر اساس نظریه اصالت وجود و تشکیکی و ذومراتب بودن آن به‌نحو تحسین انگیزی از این مشکل فراز آمده و شبهات و ابهامات موجود را به‌خوبی پاسخ می‌گوید (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۹۴-۵۰۰).

۲. رابطه نفس یا ذهن و بدن اساسی‌ترین مسئله فلسفه ذهن است و جریان الحادی با

نگره فیزیکیالیستی در این باره با شماری از عقاید دینی همچون وحی و نبوت، معاد و حیات پس از مرگ، اختیار و اراده آزاد مخالفت می‌ورزد. در برابر این انگاره نگره ایدئالیستی و دوگانه‌انگاری جوهری دکارتی قرار دارد که هریک با اشکالاتی روبرو هستند. این مسئله در فلسفه صدرایی به گونه‌ای حل شده که هم از گرفتار آمدن در دام فیزیکالیسم رها است، هم به دامان ایدئالیسم فرو نمی‌غلطد و هم از مشکلات دوگانه‌انگاری جوهری دکارتی پیراسته است (شاکرین، ۱۴۰۱، ص ۷۱-۸۸).

۳. مسئله آغاز از جمله مباحث مهم مطرح در میان الهیدانان و فیزیکدانان بوده و از همین رو شماری از ایشان مه‌بانگ را حامی بزرگی برای خداباوری تلقی کرده، در مقابل نیز کسانی چون فرد هوئل به دلیل گرایش‌ات الحادی از آن سربر تافته‌اند. لیکن ژرف‌کاوی‌های فلسفی نشان می‌دهد که مه‌بانگ در نهایت می‌تواند صغریایی برای برهان حدوث زمانی جهان فراهم آورد و آنچه این نگره در پی دارد صرفاً صغرای حدوث صورت جهان است، نه ماده آن. در نگره صدرایی اما بدون حاجت به نظریه مه‌بانگ نیز راه‌هایی برای اثبات حدوث عالم وجود دارد، برای مثال حرکت جوهری حدوث ماده و صورت جهان هر دو را اثبات می‌کند.

در نگره پیشاصدرایی حدوث امری تاریخی و یکبار در تاریخ جهان است، اما بر اساس حرکت جوهری حدوث ماده و صورت امری پیوسته و دائمی است، نه امری تاریخی و تنها یک‌بار در گذشته. بر اساس حرکت جوهری همه مدل‌های مطرح شده در کیهان‌شناسی قدیم و جدید، اعم از تک جهانی و چندجهانی، جهان‌های باز یا بسته و... همه با حدوث تجدیدی عالم سازگاری کامل دارند و اثبات حدوث و نیازمندی جهان وابسته به هیچ یک از تبیین‌های فیزیکی جهان نبوده و با هیچیک نیز متعارض نیست. بنابراین اثبات وجود خدا بدون اثبات حدوث زمانی عالم، بویژه حدوث زمانی مطرح در نگاه متکلمان نیز ممکن است و حدوث زمانی نه تنها راه اثبات وجود حق تعالی است و

نه بهترین آن.

۴. از طرف دیگر نگره حدوث زمانی پیشاصدرایی به دلیل اتکا بر آغاز زمانی عالم، در نهایت می‌تواند برای اثبات وجود خدا در موجودات مادی و زمانمند بکار آید، اما نسبت به دیگر مخلوقات همچون فرشتگان و... ناتوان است. افزون بر آن نگره یاد شده تنها اثباتگر حاجت به علت در حدوث است، اما در نگره فلسفی، بویژه در حکمت متعالیه حدوث و بقا به یک ملاک حاجتمند علت‌اند و از این جهت اندک تفاوتی بین آن دو نیست.

نمونه دیگر از توانایی‌های فلسفه اسلامی حل رابطه کمالات وجودی با پیچیدگی و ترکیب است که داو کینز برهان نامحتملی را بر اساس آن صورت‌پردازی کرده و فلسفه صدرایی به خوبی آن را پاسخ می‌گوید. داو کینز در کتاب «ساعت ساز کور» می‌گوید امری پیچیده است که دارای اجزایی باشد و آن اجزا به گونه‌ای در کنار هم سازمان یافته باشند که احتمال تحقق آن به واسطه شانس بسیار کم باشد. برای روشن‌تر شدن مسئله لازم است، نگاهی به اقسام چهارگانه پیچیدگی انداخته شود که عبارتند از:

(۱) پیچیدگی ساختاری؛ یعنی انداموارگی و ترکیب از اجزای متعدد همچون یک ارگانیسم یا دستگاه صنعتی پیشرفته؛

(۲) پیچیدگی وصفی، یا اتصاف به صفات مختلف؛

(۳) پیچیدگی کنشی و کارکردی؛ یعنی منشأ افعال و آثار متعدد بودن، همچون نفس انسانی که منشأ آثار فراوانی است و به تعبیر صدر المتألهین نفس در عین وحدت و بساطتش جامع جمیع قوای مدرکه، فعاله و... است (شیرازی، ۱۹۸۱ م، ج ۸، ص ۱۴۸ و ۲۲۱).

(۴) پیچیدگی شناختاری؛ یعنی چیزی چنان باشد که به دشواری بتوان حقیقت آن را

شناخت. از این قبیل است رفتار موجی ذره‌ای نور که فیزیک کلاسیک را در تفسیر آن با دشواری شناختی مواجه ساخت. از میان اقسام چهارگانه فوق، داوکنز تنها به قسم اول اشاره کرده است که اختصاص به پدیده‌های مادی دارد. این در حالی است که خداوند حقیقتی فرامادی است، نه مادی و کاربست این تعابیر در حقایق فرامادی، به‌ویژه خداوند که بسیط علی‌الاطلاق است کاملاً نابجا و ناسخته است.

از طرف دیگر در فلسفه صدرایی به خوبی روشن شده است که هر اندازه موجودی در سلسله مراتب هستی کامل‌تر باشد، از بساطت بیشتری برخوردار بوده، مقید به قیود و شرایط کمتر و به حقیقت هستی نزدیک‌تر و امکان و احتمال تحقق آن بیشتر است؛ تا آنجا که بسیط علی‌الاطلاق وجود محض و عین هستی است. چنین حقیقتی مشروط به هیچ شرطی نبوده، واجب الوجود، ضروری التحقق، بلکه عین تحقق است و دیگر موجودات همه هستی خود را وامدار اویند (شیرازی، ۱۹۸۱ م، ج ۶، ص ۱۱-۱۹ و ص ۱۰۰؛ علامه طباطبایی، ۱۴۱۶ ق، مرحله دوازدهم، فصل چهارم). موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که شرح آنها تحقیق مفصل دیگری می‌طلبد.

نتیجه

۱. الحاد جدید به لحاظ نظری و معرفتی افزوده‌ای بر الحاد سنتی ندارد، لیکن ویژگی‌های آن عبارت است از: موضع اثباتی، رویکرد تهاجمی به دین، دعوی تعارض دین با علم و اخلاق، فلسفه‌گزینی و استخدام علوم تجربی در جهت نظریه‌پردازی‌های الحادی، تلاش برای تبیین طبیعی و فیزیکال همه چیز از جمله نفس، معنویت، معنای زندگی، خدا، دین و تلاش برای ایجاد جامعه کاملاً سکولار و تهی از دین.

۲. الحاد جدید در عین دعوی فلسفه‌گزینی و علمی بودن در سه حوزه پیش‌اعلمی، درون علمی و پس‌اعلمی با فلسفه آمیختگی و بر آن مبتنا دارد.

۳. بن‌مایه‌های معرفتی لازم در نقد الحاد جدید عبارت است از: دانش فیزیک، زیست‌شناسی فرگشتی، علوم شناختی، فلسفه و الهیات.
۴. گام‌های لازم در مواجهه با شبهات نوملحدهان عبارت است از: (۱) نقد بنیان‌ها و مبانی الحاد جدید، (۲) بیان حدود و ثغور، توانش‌ها و ناتوانی‌های علم، درجه اعتبار علم و وابستگی آن به پاره‌ای معارف فراتجربی (۳) ابطال دعوی تعارض علم و دین (۴) آشکارسازی عدم تک‌صدایی در علم و اینکه نگره الحادی سخنگوی علم، آن هم به‌نحو انحصاری نیست (۵) آشناسازی مخاطبان با دیدگاه‌های دانشمندان خدا‌باور (۶) رصد جریان الحاد در عرصه‌های مختلف نظری و عملی، (۷) بسط معارف عقلی دینی با قدرت اقتناعی بالا و قابل فهم عموم مخاطبان (۸) استفاده از همه ظرفیت‌های معرفتی در دفاع از عقاید دینی و دفع شبهات منکران.
۵. فلسفه و الهیات اسلامی از ظرفیت بالایی در مواجهه با شبهات الحاد جدید برخوردار بوده و در این مصاف نیازمند اتکا به جریان‌های الهیاتی مدرن، بویژه در موارد معارض با اندیشه اصیل اسلامی نیست. افزون بر آن حفظ اصالت اندیشه دینی و التقاط‌گریزی نیازمند هوشیاری لازم و اجتناب از فروغلطیدن در دام اینگونه جریان‌ها است.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب؛ بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۲. بیهی، مایکل؛ دمبسکی، ویلیام، میر، استفان، پیدایش جهان: تصادف یا طراحی هوشمندانه، ترجمه سلاله امینیان، تهران: پارسیک، ۱۳۹۸.
۳. حسن جبل، محمدحسن، المعجم الاشتقاقی الموصل لالفاظ القرآن الکریم، قاهره: مکتبه الآداب، ۲۰۱۰ م.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۵. شاکرین، حمیدرضا، «بررسی انتقادی «مدل بی مرزی هاو کینگ هارتل» و دلالت های فلسفی - الهیاتی آن با تاکید بر حکمت متعالیه»، معرفت کلامی، شماره ۲۷، پاییز و زمستان، ۱۴۰۰ ق.
۶. شاکرین، حمیدرضا، «بررسی و نقد طبیعتگرایی انسان شناختی با تاکید بر فیزیکیالیسم حذفی»، انسان پژوهی دینی، دوره ۱۹، ش ۴۷، شهریور ۱۴۰۱ ق.
۷. شاکرین، حمیدرضا، «جهان بی علت یا علت مند؟ بررسی و نقد نگره پیدایش بی علت جهان بر اساس کیهان شناسی مهبانگ»، کلام اسلامی، شماره ۱۲۰، اسفند ۱۴۰۰ ق.
۸. شاکرین، حمیدرضا، «خدا و تصادف تکاملی، ناساز یا همساز؟»، فلسفه دین، دوره ۱۹، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱ ق.
۹. شهبازی، علی، الحاد جدید، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۹.
۱۰. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (صدر المتألهین)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶ و ۸، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۱۱. طباطبائی، سید محمدحسین، نهاية الحکمة، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۱۲. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱.
۱۳. گلشنی، مهدی، تحلیلی از دیدگاه های فلسفی فیزیک دانان معاصر، چاپ پنجم،

تهران: پژوهشگاه فرهنگ و علوم انسانی، ۱۳۹۰.

۱۴. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

۱۵. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، چاپ ششم، تهران: صدرا، ۱۳۷۴.

16. Bagguini, Jullian, **Atheism, A Very Short Introduction**, Oxford University Press, New York, 2003.
17. Beattie, Tina, **The New Atheists: The Twilight of Reason and the War on Religion**; London, Darton, Longman & Todd, 2007.
18. Butt, Riazat, **Atheist Bus Campaign Spreads the Word of No God Nationwide**, <http://www.guardian.co.uk / world /2009>.
19. Cimino, Richard and Christopher Smith. **Atheisms Unbound: The Role of the New Media in the Formation of a Secularist Identity, Secularism and Nonreligion 1**, DOI:10.5334/snr.ab.
20. Dixon, Thomas, "Scientific Atheism as a faith Tradition", **Studies in History and Philosophy of Biological and Biomedical Sciences**, 33 (2002), p. 337-359.
21. Dupre, Louis, **On The Intelctual Sources of Modern Atheism**, **International Journal for Philosophy of Religion** 45: 1-11, 1999.
22. Edwards, Paul, "Atheism" in Paul Edwards (ed). **The Encyclopedia of Philosophy** (New York: Macmillan and free press, 1967), vol I. p. 175.
23. Emilsen, William W., **The New Atheism and Islam**, **Sage Journals, The Expository Times**, Volume 123, Issue 11:521-528, June 2012. DOI:10.1177/0014524612448737.
24. Hooper, Simon. "The rise of the New Atheists". CNN. Retrieved 16 March 2010, & Whitley Kaufman, **New Atheism and its critics**, First published: 07 November 2018, <https://doi.org/10.1111/phc3.12560>.

25. Jaegwon, Kim, (2003), "The American Origins of Philosophical Naturalism", **Journal of Philosophical Research**, APA Centennial Volume pp. 83-98.
26. Krikorian, Yervant H. (ed.), 1944, **Naturalism and the Human Spirit**, New York: Columbia University Press.
27. Lennox, John C. Gunning for God: Why the New Atheists are Missing the Target, **Oxford**: Lion Hudson, 2011.
28. McGrath, Alister, (2009) **A Fine-Tuned Universe: The Quest for God in Science and Theology**, Westminster John Knox Press.
29. Mcgrath, Alister, **The Twilight of Atheism, the rise and fall of Atheism in the Modern World**, New York: Doubleday, 2004.
30. McMullin, E. 2011. **Varieties of Methodological Naturalism. in: The Nature of Nature**, Bruce L. Gordon and William A Dembski (eds.) ISI BOOKS.
31. Pasquini, John J. **Atheist Persona, causes and consequences**, **University Press of America Inc.**, New York, 2014.
32. Pigliucci, Massimo, "New Atheism and the Scientific Turn in the Atheism Movements", **Midwest Studies in Philosophy**, vol. 37, no. 1, September 2013, pp. 142-153.
33. Plantinga, Alvin (2011), **Where the Conflict Really Lies: Science, Religion and Naturalism**, New, York: Oxford University Press.
- Plantinga, Alvin. (2010). **Religion and Science. In: Stanford Encyclopedia of Rosenberg**, Alex. (2011), **The atheist's guide to reality**. New York: W. W. Norton & Co.
34. Rea, C. M. 2002. **World without Design: The Ontological Consequences of Naturalism**. New York: Oxford University Press.
35. Smith, Jesse M., **Creating a Godless Community. The Collective Identity Work of Contemporary American Atheists**, March 2013, *Journal for the Scientific Study of Religion* 52(1):80-99, DOI:10.2307/23353892.

36. **Stanford Encyclopedia of Philosophy**, Naturalism, substantive revision Tue Mar 31, 2020.
37. **Stanford Encyclopedia of Philosophy**; Confucius, Tue Mar 31, 2020.
38. Stewart, Robert B. "The Future of Atheism: An Introductory Appraisal." **In the Future of Atheism**: Alister McGrath & Daniel Dennett in Dialogue. Edited by Robert B. Stewart, 1-16, (Minneapolis: Fortress Press, 2008).
39. Taylor, Charles, **A Secular Age**, Cambridge and Massachusetts: Harvard University Press, 2007.
40. **The Internet Encyclopedia of Philosophy**. "New Atheists", Retrieved 14 April 2016.
41. Whitley, Rob, "Atheism and mental health", **Harvard Review of Psychiatry** , June 2010,18(3):190-4.
42. Wikipedia, the free encyclopedia, **Intuition**, edited on 19 July 2021, at 10:23 (UTC).
43. Wikipedia, the free encyclopedia, **New Atheism**. edited on 23 December 2022, at 14:30 (UTC).
44. Wilson, Edward O., **Sociobiology: The new synthesis**, 1975; Harvard University Press.
45. Wolff, Gary, "in The New Atheism, The Church of the Non-Believers"; **reprinted in Wired Magazine**, November 2006.
46. Yandell, David and Moser, Paul K. 2000. "Farewell to Philosophical Naturalism", **in: Naturalism: A Critical Analysis**, W. L. Craig (ed.), London: Routledge.
47. Zenk, Thomas, "**New Atheism**", in Bullivant, Stephen & Rose, Micheal (eds.) **The Oxford Handbook of Atheism**, Oxford: University Press, 2013. pp. 252-253.